انتظام روحانی: نظم و نثری خالی از تأثیر مشروطیت (2 صفحه)

نویسنده : ا، ح

حافظ » شماره 32 (صفحه 62)

--------------------------------------------------------------------------------

انتظام روحانی‏ با نظم و نثری خالی از تأثیر مشروطیت

ح.ا.

\*درآمد

بسیاری از ایرانیان،انقلاب مشروطیت را«تجربه»نکردند و از آن‏ در زندگی فردی،جمعی یا فرهنگی و ادبی خود هیچ تأثیری نپذیرفتند. مقاله‏ی کوتاه حاضر،نمونه‏یی از نظم و نثر احمد علی انتظام(روحانی) را که در انقلاب مشروطیت یازده ساله بوده است،برای اثبات همین‏ واقعیت،ارائه می‏دهد.

2-شرح‏حال

2-1-استاد سید علینقی امین در تاریخ سبزوار نوشته‏اند:

«روحانی:شیخ احمد علی انتظام الواعظین معروف به«روحانی» فرزند مرحوم حاج شیخ علی اکبر هراتی سبزواری واعظ سابق الذکر.1 روحانی به سال 1303 هجری در ماه محرم به سبزوار تولد یافت و الان‏ هشتاد و هشت سال از سن او می‏گذرد و در همین سال 1391 هجری‏ که از تهران به زیارت ثامن‏الائمه علیه‏السلام مشرف می‏شدم،در سبزوار مرا دیدن کرد.روحانی دارای کمال و اطلاعات وسیع در منطق‏ و ادبیات و تفسیر و حدیث و تاریخ است.دیوان اشعار خطی او را مکرر دیده‏ام و در این کتاب نگارنده چندبار ذکر او را نموده‏ام،غزل و مرثیه و ماده تاریخ و مدایح بسیار سروده.در اشعار«روحانی»تخلص‏ می‏کند و گاهی انتظام.شاعر در علم موسیقی نیز وارد است و با آن که‏ پیرمرد است،هنوز هم خوب می‏خواند.در فنون منبری نیز استاد است.غزل زیر را موشح به نام ابن امین ساخته است،او در پایان برای‏ ذکر تخلص یک شعر که اول آن حرف(ت)می‏باشد،بر آن افزوده‏ است:

الف-ای یار سوخت جان من از آرزوی تو دردم ز حدّ گذشت ز سودای روی تو ب-با این ههم حجاب که در ره گرفته‏یی‏ بنگر که هیچ‏کس نبرد ره به کوی تو ن-«نابرده رنج گنج میسر نمی‏شود» تو گنجی و کسی نبرد ره به سوی تو الف-ای آن که هم‏چو مشک به نافه نهان شدی‏ تا ناقصان عشق نیابند بوی تو م-می‏دان که در غم تو دل مستمند ما خالی نبود یک نفس از جست‏وجوی تو ی-یک دل دو دل به دام تو افتد عجیب نیست‏ صد دل فتاده در خم هر تار موی تو ن-نابود آن دلی که نباشی تو در میان‏ خرّم دلی که خورد دمی از سبوی تو تنها نه در خیال تو روحانی است و بس‏ هرجا که محفلی‏ست بود گفت‏وگوی تو»2

2-2-حسن مروجی در تذکره‏ی سخنوران بیهق نوشته است: «احمد علی روحانی متخلص و مشهور به«انتظام»فرزند مرحوم حاج‏ شیخ علی اکبر هراتی متخلص به شیخ است.انتظام پس از تحصیلات‏ مقدماتی برای فراگیری فقه اسلامی و حکمت در نزد مرحوم حاج میرزا حسین آیتی تلمّذ نمود.سپس به مشهد رفت و در حوزه‏های علمیه‏ی‏ آن شهر به تحصیل ادامه داد.دیوان اشعار انتظام که تاکنون به طبع‏ نرسیده،شامل:قصاید،مثنویات،غزلیات،رباعیات‏و قطعات است. بیش‏تر آثار انتظام اشعاری‏ست که جنبه‏ی اخوانی دارد و شاعر آن‏ها را برای دوستان و آشنایانش سروده است.

انتظام پنج فرزند به نام‏های حسن،علی اکبر،فاطمه،محمد و علی اصغر داشته که بعضی از آن‏ها در قید حیات‏اند.این شاعر در اول‏ (به تصویر صفحه مراجعه شود)

حافظ » شماره 32 (صفحه 63)

--------------------------------------------------------------------------------

ماه مبارک رمضان سال 1397(1356 ش)زندگی را بدرود گفت و در مصلاّی سبزوار به خاک سپرده شد.

نمونه‏شعر او:

در دهر هرچه هست،تجلّی یار ماست‏ هرجا که بگذریم،به کویش گذار ماست...»3

2-3-آقای محمود بیهقی،در دایرة المعارف بزرگ سبزوار نوشته است:

«انتظام الواعظین شیخ احمد علی روحانی،یکی از واعظان بنام‏ سبزوار»4

(به تصویر صفحه مراجعه شود)

2-نمونه‏ی آثار

نمونه‏ی اشعار انتظام روحانی در کتاب‏های یاد شده در بالا ثبت‏ شده است.اینک نامه‏یی از او که از سبزوار به تهران به زنده‏یاد استاد امین فرستاده است،برای ارائه‏ی نمونه‏ی خط و ربط این شاعر گمنام‏ که نثر او نیز هم‏چون شعرش هیچ‏گونه تأثیری از تحولاّت پس از مشروطه نپذیرفته است،ارائه می‏شود.

«طهران-...خدمت عماد العلماء الاعلام،ثفةالانام،مرجع‏ الخواص و العوام،مروّج الاحکام،آیت‏اللّه آقای امین رسیده ملاحظه‏ فرمایند.

هو-به شرف عرض ملازمان عالی-روحی فداه-می‏رساند.ان‏شاءاللّه همواره حالات خیریت علامات بهجت آیات حضرت عالی- دامت برکاته-مصحوب کرامت و قرین عاقبت خواهد بود.در ثانی، هرگاه از طریق مرحمت و محض عنایت جویای حال داعی مهجور از فیض حضور باشید،الحمد اللّه،هنوز حیات عاریت باقی‏ست.

مدتی‏ست نامه‏ی شما را زیارت نکرد[ه‏ا]م.امیدوارم شما و اهل‏ بیت خوش‏[و]خرم باشید،اگر،تازه،کتابی چاپ کرده‏اید،یک جلد برای ما بفرستید.نمی‏دانم با جناب آقای حاجی میرزا باقر ولد مرحوم‏ آقا میرزا ابو طالب‏[عربشاهی‏]5مراوده دارید؟اگر مراوده دارید،سلام‏ مرا خدمت ایشان برسانید.خیلی اشتیاق‏[دارم‏]و آرزومندم که ایشان‏ را زیارت کنم.خدمت آقازاده‏ی محترم‏[سید حسن امین‏]سلام عرض‏ می‏کنم.[در]پایان،سلامت و دوام عمر شما را از خداوند خواهانم- انتظام روحانی-والسلام».

4-نتیجه

شعر و نثر ارائه شده توسط شاعرانی هم‏چون انتظام روحانی،دلیل‏ آشکاری‏ست بر این که تحولات فرهنگی مشروطیت تا مدت‏های‏ مدیدی در میان قشر خاصی از طبقه‏ی شاعران و ادیبان تربیت شده در مدارس و حوزه‏های قدیم،هیچ‏گونه تأثیری نگذاشته است.بنابراین، از یک‏سو جامعه و بنگاه‏های سیاسی و اجتماعی آن،همه‏ی شاعران‏ و ادیبان را حمایت نکرده و موجبات رشد ایشان را فراهم نکرده است‏ و از سوی دیگر،شاعران و ادیبان سنّت‏گرای هم رغبتی به اقبال‏ شیوه‏های جدید نشان نداده‏اند.

پی‏نوشت‏ها

(1)-حاج شیخ علی اکبر واعظ هروی الاصل(از مردم هرات افغانستان)سبزواری‏ المسکن،متخلص به«شیخ»که دیوان اشعار او در مشهد در اواخر قاجاریه به چاپ‏ سنگی رسیده است.

(2)-امین،سید علینقی،تاریخ سبزوار،صص 530-531.

(3)-مروجی،حسن،تذکره‏ی سخنوران بیهق،صص 85-86.

(4)-بیهقی،محمود،دایرة المعارف بزرگ سبزوار،جلد اول،ص 109.

(5)-سید محمد باقر عربشاهی سبزواری،(1285-1364)استاد دانشکده‏ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و سخنران مذهبی رادیو تهران،فرزند مرحوم آقا میرزا ابو طالب عربشاهی(شوهر خواهر مرحوم آقا میرزا حسین محدث عربشاهی معروف‏ به«آقای شاه»یعنی نوه‏ی دختری جدّ اعلای امّی من،آقا میرزا ابراهیم عربشاهی) بود.وی مقدماتی و بخشی از سطوح را در سبزوار نزد دایی‏اش،مرحوم آقا میرزا حسین محدّث عربشاهی معروف به«آقای شاه»،سید حسن امین الشریعه،آقا محمود شریعتمدار تهرانی و شیخ نظام الدین بیلندی گنابادی فرا گرفت،سپس به‏ حوزه‏ی علمیه‏ی مشهد رفت و قریب دو سال از درس میرزا عبد الجواد ادیب‏ نیشابوری استفاده برد.آن‏گاه به تهران آمد و نخست در مدرسه‏ی مروی و سپس در مدرسه‏س سپهسالار جدید از درس بزرگان علم و دانش بهره‏مند شد تا آن‏که‏ سرانجام به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت و مدت‏ها مدیر گروه زبان و ادبیات‏ عربی دانشکده‏ی الهیات و معارف دانشگاه تهران بود.

سبزواری البراهین فخر رازی و تلخیص البیان سید رضی را از عربی به فارسی‏ ترجمه کرد و هم‏چنین کتاب‏های الدین و الادب و الحکمة و الادب به عربی را گردآوری و سرمایه‏ی سخن در سه مجلد(با همکاری محمد ابراهیم آیتی)را(به‏ فارسی)تألیف کرد.مدت‏ها نیز پس از حسین علی راشد،سخنران مذهبی رادیو تهران بود.ارشد اولاد او مرحوم استاد مهندس محمد علی مولوی از اصحاب‏ دایرة المعارف بزرگ اسلامی و همکار ما در ماهنامه‏ی حافظ بود.(ر.ک.یادنامه‏ی‏ آیت‏اللّه استاد سید علینقی امین،احمد نیکوهمت،صص 441-462)